



محمود اردوخانی

قسمت دوم

خانم دکتر فلاحیان، منظورتان از تفاوت‌های مفهومی و محتوایی چیست؟

○ بحث مفاهیم جغرافیایی سؤالی است که در بخش بعدی قصد طرح آن را داشتیم، اما برای روشن شدن بحث آن را طرح می‌کنم.

در کتاب یازدهم، سرفصل‌ها و عنوان اصلی کتاب بر محور مفهوم ناحیه و نواحی است، اما در ذیل این مفهوم از مفاهیم جغرافیایی دیگری هم استفاده کردید که ممکن است یک چالش درون‌متنی بین مفاهیم ایجاد کند؛ مفاهیمی مثل قلمرو، منطقه، محیط طبیعی، فضای جغرافیایی، بخش، سرزمین، سازه، زیست‌بوم، مکان، کلان‌شهر (مشهد). همچنین باید بررسی شود که آیا این مفاهیم در پایه‌های قبلی تعریف شده‌اند، کدام‌یک بر دیگری یا بر ناحیه اشراف محیطی دارد و اینکه آن‌ها در ذهن دانش‌آموزان چگونه تعریف شده‌اند.

○ خانم احمدی: اگر بخواهیم در کلاس سهمی برای معلم قائل باشیم، این سهم باید چهل درصد باشد، ضمن اینکه دانش‌آموزان مانند گذشته نیستند.

گفت‌وگوبا مؤلفان کتاب‌های جدید جغرافیا

اندکی درباره ناحیه و مفاهیم جغرافیایی درون کتاب و تفاوت آن با پایه‌ها و دوره‌های قبلی بفرمایید. مثلاً عبارتی در کتاب یازدهم آمده که بسیار علمی و تخصصی است و نمی‌توان به راحتی از کنار آن عبور کرد. می‌گوید: «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند». اما در صفحه بعد می‌گوید: «نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند». آموزگار این رفت و برگشت و دوگانگی ظاهری را در کلاس چگونه باید حل کند؟

○ خانم فلاحیان: درباره واژه‌هایی که گفتید، در دو درس با توجه به مثال‌هایی که آوردیم، مثل نواحی استانی، طبیعی و نقشه‌های مورد نظر، دانش‌آموزان را با مفهوم ناحیه آشنا کردیم. مفاهیمی مثل اینکه نواحی بخشی از زمین هستند که ویژگی‌های جغرافیایی همگون دارند و با بخش مجاور خودشان متفاوت‌اند. مرزهای این‌ها هم تقریبی است. درباره مثالی که فرمودید، باید بگوییم اولاً انسان‌ها نواحی را ایجاد می‌کنند مثل تهران تا کرج که ناحیه صنعتی شده است. انسان‌ها این کار را کردند. اما در عین حال نواحی به فعالیت‌های انسان شکل می‌دهند. مثلاً شما هر چنددر بخواهید در امارات با فناوری طرحی را پیش ببرید متأثر از هوای گرم آنجا خواهید بود و ساختمان‌ها و وسایل حمل‌ونقل باید به گونه‌ای باشند که بتوانند به محدودیت‌های محیط طبیعی پاسخ دهند.

به هر حال ناحیه، انسان را محدود می‌کند، چون وضعیت او متأثر از محیط طبیعی است. من معتقدم جبر جغرافیایی وجود دارد، اما انسان‌ها با افزایش آگاهی و پیشرفت می‌توانند تا اندازه‌ای بر آن غلبه کنند، همچون محیط گرم و خشک، سرد، معتدل و ... که همیشه وجود دارند و موجب می‌شوند انسان‌ها ابداع و اختراع کنند و فناوری‌های جدید بسازند. خب، ما این مفاهیم سنگین را با مثال در کتاب و چندین مثال در لوح فشرده آورده‌ایم مثلاً برای این مفهوم که «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند» بیست قطعه عکس گذاشتیم.

خانم ملک‌محمودی: در ادامه صحبت‌های خانم فلاحیان، ایشان تهران - کرج را مثال زدند. درست است که تصمیمات اقتصادی و سیاسی در توسعه غرب تهران خیلی تأثیرگذار بوده، ولی ما از شمال خیلی نمی‌توانیم توسعه پیدا کنیم، چون یک مانع با محدودیت‌های توپوگرافی به نام البرز داریم. درست است که برنامه‌ریزی‌های انسان حاکم است و تغییر ایجاد می‌کند، ولی محدودیت‌هایی هم از جانب طبیعت داریم. مفهوم ناحیه را هم اگر دبیر جغرافیا بخواهد می‌تواند آن‌قدر مثال از زندگی روزمره بجه‌ها بیاورد تا آن‌ها کاملاً مطلب را بفهمند. پس مفهوم ناحیه، مفهوم سختی نیست.

بنده نگفتم سخت است، گفتیم علمی است و بیشتر در راستای سؤال خانم دکتر فلاحیان در مفاهیم، تشابهات و تفاوت‌ها این سؤال را طرح کردم.

○ خانم ملک‌محمودی: درباره تشابهات و تفاوت‌های مطالب و مفاهیم با دوره‌های تحصیلی قبلی، باید توجه کنید که در کتاب جغرافیای هفده سال پیش مفاهیم ناحیه و مباحث سیاسی و اقتصادی هم بود، اما در حال حاضر این مباحث به‌روز شده‌اند. مثلاً در آنجا از آب‌شیرین کن امارات خبری نبود یا از نظریات سیاسی و ژئوپولیتیکی خلیج فارس در سال‌های اخیر مطالبی آورده بودند، ولی

در پایه یازدهم «نواحی سیاسی» را داریم که بحث آن تا این اندازه ارائه نشده و همچنین «نواحی اقتصادی و نواحی فرهنگی» که در دوره‌های قبلی چه در ابتدایی و چه دوره متوسطه اول، نیامده است

نگاه ژئوپولیتیکی و سیاسی نداشت. ممکن است عده‌ای بگویند که ما در پایه دوازدهم مخاطرات طبیعی را آوردیم که در دوم دبیرستان هم خوانده‌اند، ولی بحث مدیریت مخاطرات طبیعی خیلی مهم است. در آنجا مصداق‌هایی آوردیم که ملموس است، اما در دوم دبیرستان این مثال را نیاوردیم. در بحث «مخاطرات طبیعی کتاب دوازدهم بحث قبل از زلزله، هنگام زلزله و بعد از زلزله چه بکنید» آمده است. بحث حمل‌ونقل که خیلی مهم است و در دنیا هم روی آن خیلی سرمایه‌گذاری می‌کنند بعد از بحث سکونت‌گاه آمده، چون ارتباط تنگاتنگی بین سکونت‌گاه و حمل‌ونقل است.

آیا ناحیه به لحاظ وسعت کلان‌تر است یا قلمرو، چون ممکن است در محیط خارج از مدرسه مفاهیم قلمرو سرزمین یا بخش برای دانش‌آموز بزرگی و عظمت بیشتری نسبت به ناحیه را داشته باشد، در حالی که در کتاب یازدهم این مفاهیم زیرمجموعه ناحیه هستند. در این باره توضیح بفرمایید.

○ خانم احمدی: با توجه به کلاس‌های ضمن خدمت، خانم فلاحیان فرمودند که می‌توانیم ناحیه و قلمرو را مترادف و به جای همدیگر استفاده کنیم. اما گاهی درباره وسعت آن اگر اشتباه نکنم، معمولاً می‌گویند یکی وسعتش بیشتر یا کمتر است. بنده موقعی که تدریس می‌کردم، مطلب خانم فلاحیان را ارائه می‌کردم و می‌گفتم می‌توانیم از این‌ها به جای یکدیگر استفاده کنیم. اگر بگوییم ناحیه یا منطقه آب‌وهوای خزری خیلی مشکل ایجاد نمی‌کند، چون ترجمه است.

آقای دکتر صادقی: من در مفهوم «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند» و «نواحی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند» را ارجاع می‌دهم به تعریف جغرافیا، یعنی «ارتباط متقابل انسان و محیط» و این به معنای آن است که انسان هم بر محیط تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد. فضای جغرافیایی بدون انسان معنا و مفهومی ندارد، چون می‌شود فضای طبیعی که خداوند خلق کرده است. نکته دوم اینکه باید بگوییم بسیاری از مفاهیم وقتی به فارسی ترجمه می‌شوند، هنوز در تعبیر فارسی آن‌ها بین صاحب‌نظران یک اجماع نظر

مشخص وجود ندارد. گاهی دوستان واژه‌ها را مترادف می‌دانند و گاهی تفاوت‌هایی قائل‌اند.

من معتقدم مفهوم منطقه و ناحیه که اشاره کردند، یک مفهوم علمی است و این کار در کتاب جغرافیای یازدهم به‌طور کامل تبیین شده است، البته ممکن است تفاسیر مختلفی برای آن وجود داشته باشد، ولی در قسمتی از کتاب آمده است «ناحیه و منطقه از نظر ما مترادف و یکی هستند» که از نقاط قوت کتاب به شمار می‌رود.

نکته دیگر اینکه منطقه و ناحیه یک قسمتی است که در کتاب براساس یک سری ویژگی‌ها و فاکتورها از قسمت‌های دیگر جدا می‌شود. بنابراین، می‌توانیم منطقه و ناحیه را یک جای کوچک در نظر بگیریم که می‌تواند در قالب یک قلمرو یا بخش، منطقه یا سرزمین قرار بگیرد، یعنی ویژگی‌های انسانی و طبیعی باعث شدند ناحیه یا منطقه شکل بگیرد و این قطعاً کوچک‌تر از قلمرو و سرزمین خواهد بود که مدنظر شماست.

لطفاً دربارهٔ بهبود وضعیت تدریس کتاب‌های جدیدالتألیف، نظر تان را بفرمایید.

○ خانم ملک محمودی: به تعداد دبیران جغرافیا هم روش تدریس وجود دارد. من نمی‌توانم روش تدریس خاصی را به همکاران ارائه بدهم و بگویم از آن پیروی کنید، اما ترجیحاً روش تدریس فعال را در درس جغرافیا بهتر می‌دانم، چون زمانی که ما «مثلاً یادگیری» و بحث «کلاس معکوس» را مطرح می‌کنیم، یک طرف بحث در آموزش، دانش آموز است. درواقع ارتباط متقابل بین معلم و دانش آموز است که تدریس مطلب را آسان می‌کند. بنابراین، هرچه مشارکت دانش آموزان

چون درگیر نوشتن این کار بودیم، باید بگویم که حقیقتاً برای نوشتن دو کتاب تلاش زیادی صورت گرفت. بنده هم در جریان بودم، فعالیت‌ها در این راستا شبانه‌روزی انجام می‌شد. با سازمان‌ها و نهادهای مختلف برای تهیه نقشه‌ها و مطالب ارتباط برقرار شد، البته نقدهایی بر آن وارد است که بعدها باید مطالعات دقیق‌تر و تلاش بیشتر نسبت به آن‌ها صورت گیرد

در بحث‌ها بیشتر باشد، کلاس لذت‌بخش‌تر و فراگیری هم بهتر انجام می‌شود. پیشنهاد ما به همکاران این است که از این روش‌ها استفاده کنند و حتی فعالیت‌های کتاب را انجام دهند و «بیشتر بدانیم»‌ها را برای امتحان انتخاب نکنند. از همه مهم‌تر همان قدر که به امتحان اهمیت می‌دهند برای مسئله یادگیری و فرایند یادگیری هم ارزش قائل شوند. خدا را شکر که کتاب یازدهم جزء امتحان نهایی نبود و این فشار از روی کتاب برداشته شد تا معلم و دانش‌آموز، هر دو از آن لذت ببرند.

ولی خوشبختانه یا متأسفانه این اتفاق برای پایهٔ دوازدهم دارد می‌افتد و قرار است خردادماه به‌صورت نهایی برگزار شود. ما امیدواریم معلمان و دبیران کتاب را به گونه‌ای تدریس کنند که مطالب در ذهن بچه‌ها بماند، چون ما نام کتاب را کاربردی عنوان کردیم. با دقت در کتاب مشاهده خواهید کرد که در پایان هر فصلی مهارت‌های جغرافیایی، بحث تفاوت ساعت و حرکت کشتی‌ها از یک ناحیه یا اقیانوس به ناحیه یا اقیانوس دیگر را ارائه کردیم. برای اختلاف ساعت مسئله تعریف کردیم. به دانش‌آموز یادآوری کردیم که (جی. پی. اس) در موبایل استفاده علمی دارد، نه فقط تفریحی و تفریحی. این‌ها مواردی هستند که دبیران عزیز حتماً باید رعایت کنند.

این کتاب نوشته شده است تا خوب تدریس شود. از کنار فعالیت‌ها، از کنار «بیشتر بدانیم» و «برای مطالعهٔ موردی دبیران» به راحتی عبور نکنید تا هم به اهداف آموزشی برسیم و هم کلاسی فعال و مطلوب داشته باشیم.

خانم دکتر فلاحیان: اگر اجازه بدهید، مطالب دوستان را دربارهٔ «بایدها و نبایدها» تکمیل کنم. ما با یک آسیب جدی در آموزش دروس و به‌ویژه درس جغرافیا در دورهٔ ابتدایی، متوسطهٔ اول و متوسطهٔ دوم روبه‌رو هستیم، و آن آسیب این است که وقتی کتاب جدیدی تألیف می‌شود، معلم به‌عنوان گنجینهٔ سؤال به آن نگاه می‌کند و طعم شیرین آموزش را به تلخی می‌کشد.

متأسفانه در برخی از همکاران با سابقهٔ ما که در کانال‌ها هم فعال‌اند، این نگاه وجود دارد و از طریق فضای مجازی و کانال‌ها به این مسئله دامن می‌زنند، یعنی بلافاصله پس از مراجعه به کتاب تا آنجا که می‌توانند سؤال درمی‌آورند و تمام سؤالات آن‌ها هم در سطح ریزترین و حاشیه‌ای‌ترین تست‌های کتاب است و طبیعتاً روششان این است که دانش‌آموزان زیر پاراگراف‌ها خط بکشند و آن‌ها را حفظ کنند.

درواقع، چیزی به‌عنوان فعال کردن کلاس و بحث گروهی، نمایش مطلب، ارائهٔ تحقیق و غیره اصلاً وجود ندارد. این مسئله آفات زیادی دارد. مثل اینکه کتابی تألیف شده و علت اصلی هم توجه نکردن به اهداف است. وقتی ما به اهداف کتاب و انتظارات توجه نداریم، چه در تدریس و چه در ارزشیابی اسیر سؤال و جواب می‌شویم.

ما در دوره‌های آموزشی الکترونیکی اهداف را به‌صورت نوشتاری در طرح درس آوردیم، یعنی معلمان می‌توانند با مراجعه به آن اهداف را داشته باشند. ما وقتی اهداف و انتظارات یادگیری را بدانیم می‌توانیم تدریسمان را سازماندهی کنیم، حالا ارزشیابی هر چه می‌خواهد نتیجه بدهد. چرا باید این قدر بچه‌ها را از امتحان بترسانیم. مگر این‌ها نمرهٔ ارزشیابی مستمر ندارند؟

کارهای کلاسی و مستمرشان را نمره بالا بدهیم تا از آموزش درس جغرافیا لذت ببرند. من زمانی دبیر بودم، یک کار تحقیقی دربارهٔ

آلودگی هوای تهران به دانش‌آموزان دادم. بچه‌ها هنگام مراجعات متعدد به سازمان‌ها و نهادهای موضوعی، از اینکه آن‌ها را تحویل می‌گرفتند و احترام می‌کردند و پرسش‌نامه‌هایشان را جواب می‌دادند، بسیار پرنشاط و شاد و با روحیه‌ای بالا نتیجه تحقیق را با احساس اعتمادبه‌نفس ارائه کردند. ما باید به این‌گونه کارها در کلاس نمره بدهیم. ما که نمی‌توانیم به خاطر وسعت مباحث جغرافیا تمام آن‌ها را ارائه کنیم، یک نمونه‌هایی را در کتاب انتخاب کنیم و اجازه دهیم بچه‌ها تبدیل به موجودات خودیادگیرنده شوند و چگونه یاد گرفتن را یاد بگیرند. این خیلی مهم است. می‌خواهم انتقاد کنم از معلمانی که با استفاده از شیوه‌های نامناسب تدریس و ارزشیابی، طعم شیرین این‌گونه یادگیری را تلخ می‌کنند.

• خانم دکتر فلاحیان، درباره روش‌های بهبود تدریس بفرمایید.

○ درباره روش پیشنهادی خود کتاب خط می‌دهد. اگر بگوییم این فعالیت‌ها را رها کنید و برای آخر کار بگذاریم که بعضی معلمان آن‌ها را در آخر کار درس می‌دهند، اصلاً روش مناسبی نیست. ما امروزه چیزی به‌عنوان روش سخنرانی نداریم که از ابتدا تا انتها را درس بدهیم و متکلم وحده باشیم. در سیستم‌های جدید آموزشی معلمان درس نمی‌دهند و بعد به بچه‌ها بگویند «بروید حل کنید»، بلکه یادگیری باید در کلاس و در زمان فرایند تدریس صورت گیرد.

جناب دکتر صادقی، درباره مباحثی که ارائه شد، اگر مطلبی هست بفرمایید. و در ادامه ارتباط محتوایی کتاب‌ها را با برنامه‌های آموزشی دانشگاهی بیان کنید.

○ در روش‌های تدریس یکی از عناصر مهم در آموزش، طرح درس است. متأسفانه با اینکه در دانشگاه به‌ویژه دانشگاه فرهنگیان طرح درس آموزش داده می‌شود، ولی خیلی از همکاران می‌گویند همین که طرح درس را نیت کنیم قبول است، لذا طرح درس را نیت می‌کنند. مشکل این است که همکاران طرح درس ندارند. اگر همکاران برای تدریس درس اول یعنی «نواحی طبیعی» بخوانند با داشتن طرح درس سر کلاس بروند، می‌توانند از مواد آموزشی استفاده کنند و روش‌های ارزشیابی و فعال کردن را به‌عنوان طرح درس آماده کنند تا وقتی در کلاس حاضر می‌شوند، کاملاً مسلط باشند.

البته یکی از ویژگی‌های طرح درس، قابلیت تغییر یا تعدیل آن با توجه به شرایط محیطی و ویژگی‌های دانش‌آموزان است. به نظر من اگر طرح درس با توجه به شرایط قابلیت تغییر داشته باشد، همکاران می‌توانند موفق باشند. درباره ارتباط محتوایی کتاب‌ها با برنامه‌های آموزشی دانشگاهی در دو کتاب یازدهم و دوازدهم این کار انجام شد. برای مثال فعالیت‌هایی که در کتاب دوازدهم به‌عنوان یک کتاب کاربردی با عناوین سنجش از راه دور (جی. پی. اس) و (جی. آی. اس) آمده‌اند واحدهای درسی مستقلی هستند که دانشجویان می‌گذرانند. مطالبی که در این کتاب‌ها آمده براساس مواردی طراحی شده‌اند که در دانشگاه تدریس می‌شوند و براساس روش‌های تربیتی از آن‌ها الهام گرفته شده، که از نقاط قوت این دو کتاب به شمار می‌روند.

در سرفصل‌های جدید دانشگاه فرهنگیان درسی گذاشته‌اند به نام «مخاطرات محیطی» که اتفاقاً کتاب جغرافیای دوازدهم دقیقاً با آن

منطبق است.

خانم ملک محمودی، لطفاً درباره دوره‌های ضمن خدمت اگر مطلبی هست بفرمایید؟

○ برای دوره‌های ضمن خدمت، هفته گذشته با ما تماس گرفتند و قرار شد امسال هم دوره حضوری در قالب ۲۴ ساعته در تهران برگزار شود. برنامه به این شکل اعلام شده است، ولی اینکه ما بپذیریم یا نه، جای بحث دارد.



شما برنامه‌ای ندارید؟

○ ما وقتی طرح کتاب را تعریف می‌کنیم حتماً با یک برنامه‌ای شروع کرده‌ایم و باید آن را به همکاران انتقال دهیم. ولی بحثی که «ضمن خدمت» وزارتخانه روی آن تأکید دارد و سال گذشته از آن استقبال شد، «ضمن خدمت» غیرحضور است. یعنی اگر ۲۴ ساعته «ضمن خدمت» حضوری با سرگروه‌های ۳۱ استان و شهرستان تهران است، غیرحضوری برای کل دبیران خواهد بود که فعلاً در حد یک برنامه است و باید ببینیم چقدر قابلیت اجرایی دارد و تا کجا می‌توانیم پیش برویم. مطمئناً مؤلفان و اعضای شورا در تدریس و اجرای این دوره‌ها استفاده خواهد شد.

خانم احمدی، درباره موضوعاتی که مطرح شد، اگر مطلبی هست بفرمایید.

○ پیرو صحبت‌هایی که خانم فلاحیان فرمودند، سؤالاتی داده

واقعیت امر این است. هر کتابی در هر سطحی که نوشته شود، برای اولین بار پذیرش آن سخت است. من به‌عنوان معلم اعتراف می‌کنم کتابی را که پانزده سال درس داده‌ام و چشم‌پسته تمام صفحات و موضوعات و سرفصل‌هایش را پیدا می‌کنم، خوب سخت است که به راحتی آن را کنار بگذارم و با یک کتاب جدید التالیف و البته وزین و خوب مواجه شوم که حتماً در ابتدا برای آموزش مرا به دشواری‌ها و چالش‌هایی می‌کشاند

نوآوری دیگر در این کتاب بحث فنون و مهارت‌های جغرافیایی است که در پایه یازدهم و دوازدهم آمده است. در این دو پایه به‌طور مشخص باکس فنون و مهارت‌های جغرافیایی را داریم، تولید نقشه، خواندن نقشه، کار با نقشه‌های توپوگرافی و نقشه‌های هوایی در این کتاب گنجانده شده است

شود که در حد دانش و محفوظات نباشد. خوب، آزمون‌هایی از طرف آموزشگاه‌های علمی در مدارس برگزار می‌شود که یک واقعیت است، چون نتیجه آن برای اولیا، معلم و مدیر مدرسه خیلی مهم است. وقتی سؤالات تستی است و فرضاً از زیرنویس یک عکس سؤال داده می‌شود که مثلاً فلان شهر متعلق به فلان استان است، من چه باید بکنم؟ اگر بگویم به شیوه تعاملی کار می‌کنم و به بچه‌ها بگویم این‌ها مهم نیستند و آن‌ها در آزمون جغرافیا از همه پایین‌تر بزنند، مدیر حتماً مرا مؤاخذه می‌کند. پس قبول بفرمایید دست ما بسته است.

خانم احمدی، پس به نظر می‌آید شما بیشتر «مدیر محور» هستید تا «آموزش محور». این‌طور است؟

○ ناگزیریم، حتی شاید «کنکور محور». ضمن احترام به همکاران، متأسفانه سؤالاتی داده می‌شود که واقعا غیراستاندارد است. مثلاً در یک سؤال از چهار درس چهار جای خالی داده می‌شود. حتی از واژه‌نامه سؤال طرح می‌کنند. مدیر به من می‌گوید «به کار شما ایمان دارم، اما نتیجه برای من مهم‌تر است، چون خانواده این را می‌خواهد». وقتی دانش‌آموز از درسی ۱۰۰ زده، چرا باید جغرافیا را ۶۰ بزند. این حرف‌ها قابل پذیرش نیست. به نظر من باید یک سری تغییرات ساختاری و سیستماتیک صورت بگیرد.

خانم دکتر فلاحیان: در ادامه صحبت‌های خانم احمدی باید بگویم اگر قرار است تحول بنیادین رخ بدهد باید در همه عرصه‌ها این‌گونه باشد. تحول فقط در سازمان‌دهی محتوای کتاب نیست، تحول باید در اجرا، ارزشیابی، زیرساخت‌ها و تجهیزات باشد تا کاستی‌های یک حوزه موجب نشود کارهای خوب در حوزه‌های دیگر به اهداف نرسد.

لطفاً درباره هر موضوعی که به روشن‌تر شدن جایگاه محتوایی و برنامه درسی این کتاب‌ها به خواننده کمک کند، توضیح بفرمایید.

○ **خانم دکتر فلاحیان:** ما در کتاب پایه یازدهم و دوازدهم سعی کردیم از نظر بصری، چینش، عکس و تصاویر که بخش مهمی از محتوا در جغرافیا را تشکیل می‌دهند، کتابی زیبا داشته باشیم. معلمان هم در بازخوردی که داشتند، هم درباره کتاب دوازدهم که روی سایت قرار داشت و هم کتاب یازدهم می‌گفتند کتاب‌ها خیلی خوش‌آب‌ورنگ و جذاب‌اند و از عکس‌ها تعریف کردند. این، نشان‌دهنده آن است که ما مقداری در تلاش‌هایمان موفق بودیم.

در دوره ضمن خدمت به معلمان عزیز گفتیم «سعی کنید کلاستان جذاب باشد تا بچه‌ها با ذوق و شوق در کلاس جغرافیا حاضر شوند». این خیلی مهم است که دانش‌آموزان علاقه‌مند باشند و زنگ جغرافیا را دوست داشته باشند. البته چنین برنامه‌ای بستگی دارد به روشی که به کار می‌بریم. اگر ما کلاس را با استفاده از درگیر کردن و فعال کردن دانش‌آموزان و استفاده از رسانه‌های پرشمار اداره کنیم می‌توانیم در فرایند یاددهی - یادگیری، کلاس را جذاب کنیم.

در برنامه‌ریزی درسی روش همچنان متمرکز است یا خیر؟ آیا اجازه تخیل و خلاقیت و مانور به معلمان داده می‌شود؟

○ **خانم ملک محمودی:** ببینید کتاب را سازمان پژوهش می‌نویسد در کل کشور تدریس می‌کنند، اما کنکور محوری مهم‌ترین آسیب نظام آموزشی است. ما درس را می‌نویسیم برای اینکه دانش‌آموز لذت ببرد و اطلاعات به‌روز را داشته باشد و این خیلی خوب و عالی و جذاب است، اما تا زمانی که نظام آموزشی ما کنکور محور است این اتفاق نمی‌افتد.

خانم دکتر فلاحیان: متأسفانه در

بین معلمان دغدغه کنکور زیاد است. مگر چند درصد دانش‌آموزان به دانشگاه راه پیدا می‌کنند. در حال حاضر هم که راه پیدا کردن به دانشگاه نسبت به گذشته آسان‌تر شده است. نمی‌گویم اصلاً به کنکور توجه نداشته باشند، ولی کتاب و روش‌های جذاب



را یکسره قربانی کنکور نکنند. می‌توانیم با نگاهی به کنکور با استفاده از روش‌های جذاب، کتاب را آموزش دهیم. کسانی که می‌خواهند به دانشگاه بروند باید بیشترین زحمت را در خارج از مدرسه بکشند و تست بزنند. ما نباید برای چهل دانش‌آموز که ممکن است نهایتاً ۱۰ تا ۱۵ نفر آن‌ها می‌خواهند به دانشگاه بروند، کنکور محور رفتار کنیم.

خانم احمدی: البته در رشته‌های علوم انسانی درصد تقاضا و قبولی در دانشگاه خوب است، ضمن اینکه باید بدانیم اکثر بچه‌ها رویای حضور در دانشگاه را دارند. اگر در کنکور سراسری و دولتی موفق نشوند، رؤیای حضور در دانشگاه آزاد یا سایر دانشگاه‌های کشور را در ذهن خود می‌پروراندند.

جناب دکتر صادقی: آموزش سرفصل‌ها و محتوای کتاب‌های پایه یازدهم و دوازدهم به معلمان که نقشی مستقیم در تألیف کتاب‌ها نداشتند و بیشتر در ضمن خدمت حضوری

و غیر حضوری آموزش دیدند، می‌تواند قدرت مانور و خلاقیت آن‌ها را در آموزش بالا ببرد.

○ اینکه می‌فرمایید معلمان نقش نداشتند، اتفاقاً جدای از اینکه از آن‌ها نظر خواهی شد و اعتبارسنجی صورت گرفت، بعد از نوشتن هر درس/فصل یا بخش، آن را در سایت اعتبارسنجی می‌گذاشتند تا همکاران در کل کشور نظر بدهند. دربارهٔ مطالب نوشته‌شده در کتاب جغرافیای یازدهم و دوازدهم، نظرات اغلب همکاران در سراسر کشور گرفته شده است.

شاید بتوانیم بگوییم نقش کلیدی و اصلی نداشتند، اما نظرات آن‌ها همه لحاظ شد و از پیشنهادهای سازنده و مفید هم به خوبی استفاده شد.

در مورد اینکه سرفصل‌ها یا محتوای دروس می‌توانند به خلاقیت معلمان کمک کنند، فکر می‌کنم مطالب درسی خیلی زیبا چیده شده‌اند. مثلاً درس اول را که باز می‌کنید، یک فعالیت است که هم معلم و هم دانش‌آموز را ترغیب و تشویق به انجام آن می‌کند. بحث من این است که سرفصل‌ها یا عناوین درس‌ها در قالب فعالیت‌ها، مثال‌ها، اشکال و یک سری مهارت‌های جغرافیایی در افزایش خلاقیت مؤثرند. ما در کتاب قبلی هم بحث زلزله را داشتیم. در کلاس خودم دانش‌آموز با یک جعبه شیر خشک و آرمیچر زلزله‌نگار ساخته بود. به نظرم می‌تواند که همکاران به این سمت بروند و با این نوع کارها و فعالیت‌ها دانش‌آموز را ترغیب کنند. البته در خیلی جاها این اتفاق افتاده است و ما هر سال شاهد دست‌سازها و اختراعات بسیار هستیم که ساده‌ترین آن روزنامهٔ دیواری بچه‌های راهنمایی است یا وسایلی که دانش‌آموزان در قالب آتش‌فشان و لرزه‌نگار می‌سازند و در کلاس می‌آورند. این مستلزم آن است که همه مکانیزم ترغیب به کارگیری دانش‌آموز را داشته باشند.

خانم ملک‌محمودی، دربارهٔ مباحث جناب صادقی، اگر مطلبی هست بفرمایید.

○ می‌خواهم نکته‌ای را عرض کنم. خدا را شکر اقبالی به دفتر تألیف شده که می‌توان نام آن را سیاست جدید دفتر تألیف گذاشت و آن، باز بودن دفتر برای همهٔ همکاران است.

ببینید در فرایند تألیف، نقش معلمان انکارناپذیر است، چرا که مؤلفان هر تعداد که باشند، همگی پیشینهٔ معلمی دارند. اینکه مؤلف معلم بوده باشد، خیلی خوب است. هر یک از مؤلفان حدود ۱۵ تا ۲۰ سال سابقهٔ تدریس و کلاس دارند. ما گچ تابلو خورده‌ایم. به همین دلیل در فرایند عملی، بحث دانش‌آموزان و آموزش خیلی مهم است. نکتهٔ دیگر شورای برنامه‌ریزی است که همگی آن‌ها معلم‌اند یا پیشینهٔ معلمی دارند. در حال حاضر دو نفر از عزیزانمان سر کلاس می‌روند و مستقیم تدریس می‌کنند.

نکتهٔ سوم اینکه ۶۴ نفر از معلمان از سی و یک استان کشور و شهرستان‌های تهران، با صلاح‌دید صاحب‌نظران درگیر امر تألیف‌اند. در این فرایند نزدیک به ۷۰ معلم در تألیف تأثیرگذارند که نظرات بسیار منطقی و پیشنهادات خوبی داشتند. حتی بعضی لطف می‌کنند نقشه یا تصویری را برای کمک به ما ارسال می‌کنند یا ما را به جاهایی هدایت می‌کنند. می‌خواهم بگویم سیاست جدید دفتر تألیف سیاست درهای باز به روی معلمان است که ما آن را به فال نیک می‌گیریم،

من مفهوم «انسان‌ها نواحی را به وجود می‌آورند» و «نواحی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند» بچه‌ها را ارجاع می‌دهم به تعریف جغرافیا، یعنی «ارتباط متقابل انسان و محیط» و این به معنای آن است که انسان هم بر محیط تأثیر می‌گذارد و هم از آن تأثیر می‌پذیرد

چون اتفاق مبارکی است.

توجه داشته باشید که سؤالات بیشتر برای معرفی فعالیت‌های علمی و برنامه‌هایی است که در جریان تألیف کتاب‌های جدیدالتألیف صورت گرفته است تا در این راستا نقدها و اشکالات احتمالی به گردن مؤلفان نیفتد. بلکه منتقد احتمالی بداند که اشکالات متوجه خود او در ارائهٔ درس و روش‌های آموزش و آموزش‌دهندگان نیز هست.

خانم دکتر فلاحیان، در ابتدای نشست مطلبی را دربارهٔ میانمار مثال زدید. به‌عنوان خواننده کتاب به نظرم آمد خیلی سریع و صریح بدون توضیحات و تعریف لازم، مثال میانمار در کتاب طرح شده است. می‌توانم بگویم نه تنها اصل موضوع را نمی‌رساند، بلکه قدری گزنده هم هست.

○ ما در اینجا می‌خواستیم تأثیر تصمیم‌گیری‌های سیاسی را بر نواحی انسانی مطرح کنیم، در میانمار یک اقلیت مسلمان ناحیه‌ای را تشکیل می‌دهند که تصمیم‌گیری سیاسی یک حکومت می‌تواند این ناحیه را از بین ببرد. این، جنبهٔ جغرافیایی آن است، اما جنبه‌های دیگری هم داریم: بحث ظالم و مظلوم و حمایت از مظلومان، مقابله با قدرت‌های استعماری و استثمارگر که در تجارت جهانی هم دربارهٔ آن‌ها بحث شده است، مثل عدم تعادل‌های فضایی و نابرابری‌های فضایی. این‌ها نکاتی مهم در مبانی نظری جغرافیایی هستند.

ما اینجا یک مسئلهٔ روز را می‌خواهیم مطرح کنیم که یک فاجعهٔ انسانی است. شما وقتی در اینترنت موضوع میانمار را می‌زنید، طاقت ندارید عکس‌ها را ببینید و مشاهده کنید که چه اتفاقاتی رخ داده است. ما می‌خواستیم هم یک مفهوم جغرافیایی را بگوییم و هم یک موضوع روز را مطرح کنیم. می‌دانید که یکی از روش‌های آموزشی، استفاده از رویدادهای جاری است.

به نظرم بدون پیش‌زمینه و تعریف مناسب قبل از

ببینید در فرایند تألیف، نقش معلمان انکارناپذیر است، چرا که مؤلفان هر تعداد که باشند، همگی پیشینه معلمی دارند. اینکه مؤلف معلم بوده باشد، خیلی خوب است. هر یک از مؤلفان حدود ۱۵ تا ۲۰ سال سابقه تدریس و کلاس دارند. ما گچ تابلو خورده‌ایم. به همین دلیل در فرایند عملی، بحث دانش‌آموزان و آموزش خیلی مهم است

مثال به یکبار به مثال میانمار پرداخته‌اید که با توجه به مثال قبل از آن، بزرگی این فاجعه، خود را نشان نمی‌دهد.
 ○ خانم دکتر فلاحیان: البته معلمان نباید به مثال‌ها بسنده کنند و باید چندین مثال بیاورند. در لوح‌های فشرده مثال‌های متنوع ارائه شده است.

خانم ملک محمودی: من فکر می‌کنم کتاب قابلیت انعطاف دارد و ممکن است در چند سال آینده که مشکل مردم مسلمان میانمار حل شود و آن‌ها بتوانند در کشور خودشان ساکن شوند، مثال‌ها یا تصاویر آن تغییر کند.

سرکار خانم دکتر فلاحیان، مبانی نظری جغرافیایی که این کتاب‌ها بر پایه آن تألیف شده‌اند، چیست؟ چون هر علمی بر پایه یک سری مبانی نظری و معرفتی است که شکل می‌گیرد. مثلاً در بحث ناحیه یا در بحث فضا و حتی زمان از کدام نظریه یا نظریه پرداز یا مکتب جغرافیایی استفاده شده است؟

○ شما به یک موضوع بسیار مهم اشاره کردید. متأسفانه اگر ما در سطح کلان و دانشگاهی هم به آن نگاه کنیم باید بگوییم جغرافی دانان ما خیلی متناسب با مبانی و مکاتب نظری کار نکردند. ما نمی‌توانیم بگوییم مثلاً گروه جغرافی دانان رادیکال یا پوزیتیویسم یا پست مدرن‌اند. البته در زمینه جغرافی دانان اسلامی سعی و تلاش‌هایی شده است. جغرافیای اسلامی اصطلاح جدیدی است و هنوز مکتبی به این نام را در دنیا ندیده‌ام. رد پای مکتب جغرافیایی پوزیتیویسم یا رادیکال یا مبتنی بر نظریات وابستگی را هم در بحث‌های آکادمیک کشور نمی‌بینیم. دلیل این امر به علل و عوامل زیادی بستگی دارد. یادم هست برخی از جغرافی دانان ما هم در کشور انتقادهایی داشتند، مثل مرحوم شکوهی و پاپلی. اگر ما بخواهیم مبانی نظری رویکرد کتاب را بدانیم نمی‌توانیم بگوییم ندارد. حتماً دارد؛ مثلاً مبانی نظری نظام برابر عدم تعادل، نبودن عدالت‌های فضایی و مباحث راهبردی کشور در

بعضی جاها مطرح شده، ولی اینکه از یک مبانی نظری منسجم پیروی کرده باشد، نه، چنین نیست بلکه از تمام نظرات استفاده کرده‌ایم. فرصت آن هم نیست و در ضمن محدودیت‌هایی هم داریم.

جناب دکتر صادقی، منظورم از مبانی نظری و مکاتب جغرافیایی مورد استفاده در کتاب‌ها بیشتر مکانی و محیطی است، مانند ناحیه‌محوری یا بحث فضا‌محوری که هر یک بر پایه مبانی نظری است.

○ ما در قالب بحث‌های انتقادی و آموزشی و براساس اسناد و اهدافی که داریم نمی‌توانیم نظریه‌ها را در قالب یک کتاب یا حجم کم بیاوریم. اما درباره موضوعات مختلف از نظریه‌های علمی و مکاتب علمی جغرافیایی استفاده شده است. چون بحث ما آموزش است، براساس اسناد، اهداف و آرمان‌ها و ارزشیابی خودمان و اینکه جغرافیا می‌خواهد شهروند مسئول و متعهد و تعامل‌پذیر تربیت کند، ما آن مکاتب را در قالب این نظریه‌ها ادغام کردیم و در کتاب آوردیم.



بحث زمان مانند بحث تغییرات مکانی، تغییرات شکلی ناهموازی‌ها یا زمین‌لغزش در کتاب‌ها نیامده است.
 ○ **ملک محمودی:** در کتاب دهم و دوازدهم تا اندازه‌ای آمده است.

خانم دکتر فلاحیان: ما همواره در کتاب‌های درسی به‌خاطر برنامه نیمه‌متمرکز با این چالش روبه‌رو می‌شویم که چه حجمی از محتوای جغرافیا را بیاوریم. من در آلمان کتاب جغرافیا را دیدم؛ حدود ۴۰۰ صفحه بود و همه مطالب را آورده بودند. وقتی از دانش‌آموزی سؤال کردم که با این کتاب چه می‌کنید، گفت: «ما همه این کتاب را نمی‌خوانیم، بلکه یک بحث‌هایی را معلم به‌صورت پروژه‌ای با ما کار می‌کند. کتاب برای ما بیشتر حالت منبع دارد و رویکرد آن، کاوشگری است.»

خب ما اگر برخی از مطالب را در کتاب بیاوریم، این انتقاد وارد می‌شود که ناقص است و یا اگر پیشینه هر موضوعی گفته شود، می‌گویند حجم کتاب زیاد است. پس هم دفتر چاپ محدودیت می‌گذارد و هم معلمان انتقاد می‌کنند، چون می‌خواهند امتحان بگیرند. تازه ساعت تدریس هم باید در نظر گرفته شود.

اگر روزی ما براساس سرفصل‌ها حرکت کنیم و صفحات کتاب برایمان مهم نباشد و به کتاب فقط به‌عنوان یکی از منابع یادگیری نگاه کنیم، کتاب می‌تواند خیلی مفصل‌تر و جامع‌تر باشد. اما تا زمانی که سیستم متمرکز ارزشیابی محور داریم همواره با این چالش روبه‌رو می‌شویم که هر کتاب را باید در یک حجم محدود تدوین کنیم.

مثلاً در بحث مخاطرات طبیعی برخی از دوستان می‌گویند آتش‌فشان و بهمین را هم بیاورید، ما هم می‌دانیم، اما دفتر برای ما تعداد صفحات را معلوم می‌کند. ما نباید برای یک درس دو ساعته بیشتر از ۱۲۰ صفحه تألیف کنیم.

پس این محدودیت‌ها و چالش‌ها وجود دارد. اگر کم بگوییم، می‌گویند چرا زیاده‌تر نگفته‌ایم و اگر زیاد بگوییم می‌گویند حالا این‌ها

را چگونه درس بدهیم.

با توجه به مطالبی که فرمودید و محدودیت‌ها را مطرح کردید، فکر می‌کنم این محدودیت‌ها موجب شدند تا شما در تألیف کتاب که خیلی علمی است و نظم خوب و چیدمان علمی خوبی هم دارد مطالب را بسیار کوتاه و مختصر بیاورید. بنابراین، اگرچه کتاب‌ها محتوای خوبی دارند، اما خواننده را با محتوای خلاصه‌شده مواجه می‌کنند. لذا به نظر کمی شلوغ به نظر می‌رسد.

○ جناب دکتر صادقی: ببینید با همه این مباحثی که مطرح شد، جغرافیا به قدری گسترده است که همکاران ما اعتراض و اعلام می‌کنند که چرا فلان موضوع در کتاب نیامده است.

خانم ملک محمودی: مباحث به قدری گسترده‌اند که مثلاً ما بحث جغرافیای گردشگری را نیاوردیم، چون در کتاب محیط‌زیست آوردیم.

خانم دکتر فلاحیان: متأسفانه ساعت آموزش جغرافیا در ایران کم است. شما نگاه کنید بچه‌ها از ابتدایی تا متوسطه اول یک ساعت در هفته جغرافیا دارند. فقط در دوره متوسطه دوم آن هم برای علوم انسانی دو ساعت است به ضمیمه کتاب استان‌شناسی. تازه این ساعات‌ها هم واقعی نیست و خیلی کمتر از این مقدار است.

ما هم مباحثی را می‌بینیم که مهم است و نمی‌شود از آن‌ها گذشت و در عین حال نمی‌توانیم آن‌طور که شما می‌فرمایید در یک حجم زیاد و مفصل به آن بپردازیم، به هر حال این چالشی است که در همه برنامه‌های درسی در دنیا وجود دارد، چون ما در عصر انفجار اطلاعات به سر می‌بریم و مباحث روزبه‌روز بیشتر می‌شود، ولی حجم زمان محدود است و همه می‌دانیم که زمان کِش نمی‌آید، اما مباحث و اطلاعات افزایش پیدا می‌کند.

جناب دکتر صادقی: همکاران باید توجه داشته باشند شما هر طور که بنویسید، به‌خاطر اختلاف دیدگاه‌ها و تفاوت نظرات چه کم کنید چه زیاد، اعتراض یا انتقاد همواره وارد است.

خانم دکتر فلاحیان: کتاب‌ها در کشور چندتألیفی نیست. البته اسناد بالادستی را به سمت چندتألیفی هدایت کردند، ولی باید این اتفاق بیفتد که معلمان کتاب را انتخاب کنند. باید بدانیم که تألیف یک کتاب در کشور پهناوری مثل ایران که بتواند پاسخ‌گوی همه سلیقه‌ها باشد، خیلی سخت است و به همین علت سعی کردیم حداقل رضایت معلمان را جلب کنیم.

صحبت‌های پایانی

○ جناب دکتر صادقی: در پایان باید عرض کنم حتماً نقدهایی به این کتاب‌ها وارد است، چون بحث‌ها انسانی است و هر کس از زاویه نگاه خود تحلیل و نقد می‌کند. دوست دارم دوستان به این موضوع توجه داشته باشند که جغرافیا علم زندگی است و فرد را برای آینده می‌سازد. همکاران باید به سمت کاربردی کردن بروند و فعالیت‌های کار برای درون کتاب‌ها را به دانش‌آموزان واگذار کنند. فکر می‌کنم

ما همواره در کتاب‌های درسی به‌خاطر برنامه نیمه‌متمرکز با این چالش روبه‌رویم که چه حجمی از محتوای جغرافیا را بیاوریم. من در آلمان کتاب جغرافیا را دیدم؛ حدود ۴۰۰ صفحه بود و همه مطالب را آورده بودند. وقتی از دانش‌آموزی سؤال کردم که با این کتاب چه می‌کنید، گفت: «ما همه این کتاب را نمی‌خوانیم، بلکه یک بحث‌هایی را معلم به‌صورت پروژه‌ای با ما کار می‌کند. کتاب برای ما بیشتر حالت منبع دارد و رویکرد آن، کاوشگری است»

کتاب‌های فعلی یک گام جلوتر از کتاب‌های قبلی هستند. همکاران حتماً نقدهای سازنده را ارجاع بدهند.

خانم احمدی: به کتاب جغرافیا

بیشتر اهمیت بدهیم. برخی از مدارس غیرانتفاعی این درس را در تابستان ارائه می‌کردند یا معلم ۵۰ سؤال می‌داد، چون عمومی بود. اما در رشته علوم انسانی هم این ایراد وجود دارد. ضریب جغرافیا با این چگالی قابل قبول علمی «قابل قبول» است و از



طرفی زوج درس «تاریخ» است. این‌ها ایرادهایی هستند که وجود دارند.

پیشنهاد می‌کنم در پایه دوازدهم طراحان سؤالات از همکاران ورزیده و مجرب انتخاب شوند. تشکر می‌کنم از عزیزی که با تألیف این کتاب‌ها خون تازه‌ای در رگ‌ها دمیدند.

خانم ملک محمودی: در پایان می‌خواهم بگویم فرایند تألیف خیلی دشوار است، همکاران حق دارند نقد کنند، اما تقاضا می‌کنم نقدشان منصفانه باشد. از همه همکاران دعوت می‌کنم و اعلام می‌کنم که درهای دفتر به روی همه عزیزان باز است و پذیرای تمامی نظرات و انتقادهای مشفقانه آن‌ها هستیم.

خانم دکتر فلاحیان: تشکر می‌کنم و عرضی ندارم.

در پایان هم بنده از حضور گرم، فعال و صبور شما عزیزان در این میزگرد تشکر می‌کنم و ممنونم که در برابر سؤالات و نقدهای ما صبر و شکیبایی به خرج دادید و با حوصله پاسخ‌گو بودید.